

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد

محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای چهل و دوم (ختم قرآن)

جلسه ۰۴

۱۳۹۵ / ۱۲ / ۰۲

■ قرآن تنها روشن کننده‌ی زندگی بشر

■ دو نوع ظلمت که بشر گرفتار آن است

۱. جهالت

۲. ضلالت

■ «مهیمن»، صفت خداوند و قرآن

■ برتری اسلام بر سایر ادیان

■ وظیفه‌ی سنگین مردم ایران

■ قرآن زیباترین «حدیث» است

■ طراوت همیشگی قرآن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ردالمند

اوصاف و ویژگی‌های قرآن کریم است. طبق روشی که انتخاب کردیم، درباره‌ی این ویژگی‌ها مقداری صحبت می‌کنم و آنها را شرح می‌دهم. راجع به دو واژه‌ی «کتاب» و «نور» مطالبی را عرض کردیم. با توجه به کلمه‌ی «نور» بحثم را ادامه می‌دهم.

وقتی سراغ قرآن کریم می‌رویم، باید تمنای نور کنیم؛ زیرا به ظلمات مبتلا هستیم. انسان تا متوجه نشود که به چه تاریکی‌هایی مبتلا است، این تمنا در او به اوج نمی‌رسد.

ظلمات جهالت و ظلمات ضلالت محیط زندگی انسان‌ها را در بر گرفته است. جهالت با نور علم قرآنی روشن می‌شود؛ چراکه دانش‌های بشری و آنچه انسان در مسیر تجربیات خود به دست آورده و می‌آورد، توان ظلمت‌زدایی از محیط جهالت بشریت را ندارد. آنها مثل جرقه هستند، اما آن چیزی که مثل یک

موضوع سخن چهل و دومین دعای صحیفه مبارکه سجادیه و گزارش مضامین عالی و پرنور آن بود. توقع ما از سلسله جلساتی که در پرتو این دعای نورانی تشکیل می‌شود، این است که همه‌ی ما در هر مرحله‌ای از ارتباط با قرآن کریم هستیم، اولاً در آن تجدید نظر کنیم؛ ثانیاً این ارتباط را ارتقا دهیم و بهسازی کنیم. البته چشم امیدمان به فضل و عنایت صاحب قرآن، و امدادهای ویژه‌ی حضرت سید الساجدین و امام العارفین علی ابن الحسین (صلوات الله و سلامه علیهما) است.

قرآن تنها روشن‌کننده‌ی زندگی بشر

بخش اول این دعای نورانی، یک نوع قرآن‌شناسی با تأکید بر

هر وقت اینها را ملاحظه می‌کنم، یاد قصه‌ی مولوی می‌افتم که فیلی در خانه‌ی تاریکی بود و عده‌ای می‌خواستند از طریق لمس، تشخیص بدهند که فیل چیست. یکی گفت: فیل مثل ستون است. دیگری گفت: مثل بادبزن است و...

آنکه می‌تواند واقعیت را نشان بدهد، نور وحی است که مثل یک سراج منیر و خورشید طلوع می‌کند، و در پرتو آن، واقعیت رخ نشان می‌دهد و آشکار می‌شود.

امروزه مبادله‌ی جهل، اسمش کار علمی شده است. علت این سخن آن است که فراورده‌های دانش بشری، برای بشریت سعادت و خوشبختی نیاورده و حتی به گرفتاری، مصیبت‌های جدید، سرگشتگی، حیرت و آشفتگی انسان دامن زده است. مثلاً در دانشگاه‌ها علوم سیاسی تدریس می‌کنند. حیف عمری

قمر منیر شب تاریک جهالت بشر را روشن سازد، فقط و فقط قرآن کریم است.

دو نوع ظلمت که بشر گرفتار آن است

۱. جهالت

آنچه به اسم دانش در دانشگاه‌های جهان تدریس می‌شود، در موارد بسیاری، جهالت است. به‌ویژه در علوم انسانی، چیزهایی که تدریس و ارائه می‌شود، شما از این تاریکی به تاریکی دیگری می‌برد. خیال می‌کنند که روشنایی است، سیر در تاریکی‌ها است. انسان دلش می‌سوزد به حال بشریت و استعدادهایی که در روان‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی خرج می‌شود. نمی‌خواهم بگویم قابل استفاده نیست، بلکه مثل جرقه‌هایی است که روشنایی اندکی دارد و فقط زاویه و گوشه‌ای را روشن می‌کند.

است. مثلاً وضعیت امروز جهان پیرامونتان در محور غریزه‌ی جنسی، از مصادیق ضلالت است. بشر به چه تاریکی تودرتو و «ظلمات بعضها فوق بعض» مبتلا شده است! چه می‌کند با بشر با این بی‌پروایی‌ها، بی‌حیایی‌ها و بی‌عفتی‌ها؟ این از مصادیق ضلالت و تاریکی روی تاریکی است. اینجا است که نور هدایت قرآن، آرمان، هدف و معاد را نشان می‌دهد و بیان می‌کند که خلقت عبث نیست و جایگاه غریزه را ترسیم می‌کند. در پرتو نور هدایت قرآنی است که دل انسان‌ها روشن می‌شود. بر اساس دستورهای قرآنی، مراقبت، صیانت، حفاظت و بهره‌برداری درست از غریزه‌ی جنسی فراهم می‌شود. چنین چیزی فقط در پرتو نور هدایت قرآنی و وحیانی رخ می‌دهد.

نور که از اوصاف قرآن کریم است و قبلاً درباره‌ی آن توضیح

که دارد تلف می‌شود! در کشور عزیز خودمان که این منبع نور در اختیارش است، انسان غصه‌اش بیشتر است. در سایر کشورها ممکن است توجهی داشته باشند که علم الهی در دسترس ما نبود؛ اما اینجا انسان دلش به حال جوانان می‌سوزد که چقدر وقت آنها از دست می‌رود.

تلاش‌های علمی و تجربی بشر به شرط اینکه اصلاح روش و قرار گرفتن تحت درخشش انوار قرآنی، قابل استفاده می‌شود. این سعی و تلاش‌ها اگر با آن روش هماهنگ شود، به مقصد می‌رسد.

من روی مصداقی دست گذاشتم که تکلیف بقیه مطالب روشن شود. جایی که مبادله‌ی جهل، مبادله‌ی دانش محسوب می‌شود، تکلیف سایر بخش‌ها مشخص است.

۲. ضلالت

ابتلای بشر به تاریکی ضلالت نیز خیلی عجیب و شگفت‌انگیز

داده شد، تاریکی جهالت و ضلالت را برطرف می‌کند. موضوع نگرهبانی خود، اشراف و سیطره دارد و برای هر نوع نظارت و نگرهبانی، از این کلمه استفاده نمی‌شود.

«مهمین»، صفت خداوند و قرآن

اگر بخواهیم «مهمین» را به فارسی ترجمه کنیم، با کنار هم گذاشتن این واژه‌ها، می‌توانیم تصویر خوبی به دست آوریم: نگهبان، شاهد، رقیب، محیط، حاکم و مسیطر. همه‌ی اینها را روی هم بریزیم، می‌شود مهمین. کلمات قرآنی را نمی‌توان با یک واژه ترجمه کرد. گاهی برای ترجمه‌ی یک واژه، باید پنج و حتی ده واژه را در هم ادغام کنید تا معنایش به دست آید.

خداوند تبارک و تعالی برای معرفی خود از واژه‌ی مهمین استفاده کرده و فرموده است: «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ» [۱] او است خدایی که جز او معبودی نیست؛ همان

این دعا در اوصاف قرآن کریم استفاده شده، واژه‌ی «مهمین» است که از اوصاف خاص قرآن کریم است. «نور» و «کتاب» از اوصاف عام است؛ یعنی به کتاب‌های آسمانی قبلی هم گفته می‌شود.

این واژه‌ی نورانی در قرآن کریم دو جا استفاده شده: یکی درباره‌ی خود خدای متعال، دیگری درباره‌ی قرآن کریم. «مهمین» از ریشه همنه و به معنای نگرهبانی است. تحقیق در واژه‌های قرآنی نشان داده که یک نوع نگرهبانی خاصی از آن استفاده می‌شود؛ دیدن چیزی همراه با نظارت، اشراف و سیطره بر آن. «مهمین» ناظر و نگرهبانی است که بر

مِنَ الْكِتَابِ وَهُمْ يَمُنُّ عَلَيْهِ؛ [۲] و ما این کتاب را به حق به سوی تو فرو فرستادیم؛ درحالی که تصدیق کننده‌ی کتاب‌های پیشین و حاکم بر آنها است». نزول قرآن به حق است و در آن هیچ باطلی راه ندارد. هم باطن آن حق است، هم مسیرش، هم مصدرش، هم خواستگاه و فردوگاهش.

«مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ» قرآن تصدیق کننده‌ی کتاب‌های پیشین است. بنابراین قرآن کریم مشروعیت بخش، اعتباردهنده، زنده کننده و اعتمادآفرین نسبت به کتاب‌هایی است خداوند متعال نازل کرده است. در پایان آیه هم فرمود: «وَهُمْ يَمُنُّ عَلَيْهِ»؛ نه فقط «مصدق» است، بلکه «مهیمن» هم هست. مصدق ناظر به بخش اثباتی است؛ اما مهیمن هم اثبات است و هم امحا. بخشی از کتاب‌های قبلی با قرآن کریم

فرمانروای پاک سلامت [بخش و] مؤمن [به حقیقت حقه‌ی خود که] نگهبان عزیز جبار [و] متکبر [است]. پاک است خدا از آنچه [با او] شریک می گردانند». اینجا کلمه‌ی «مهیمن» در منظومه‌ی اسماء الحسنی استفاده شده است. طبق توضیحی که دادیم، یعنی کارگردانی که بر محیط اداره‌ی خود، ناظر، چیره و مسلط است.

این واژه نام خداوند و قرآن کریم است و به تعبیر اهل معرفت، قرآن کریم تجلی این نام دلارای حضرت حق است. محیط تجلی نام مهیمن در قرآن کریم، سایر کتاب‌های آسمانی است که هر چه خداوند متعال کتاب نازل کرده است، قرآن مافوق همه‌ی آنها است و بر آنها سیطره دارد.

اما آنجایی که این نام درباره‌ی قرآن استفاده شده، این آیه است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ

کتاب بر آنها نازل شده، نسبت به امت‌های پیشین، **مهمین** و مسیطر قرار داده شده است. جمع این موارد می‌شود روایت نبوی «**الْإِسْلَامُ يَعْلو وَ لَا يُعَلَى عَلَيْهِ**».

آیه‌ی ۴۸ سوره‌ی مائده، پیام روشنی دارد؛ خداوند تبارک و تعالی به وسیله‌ی قرآن کریم به امت اسلامی امکان داشتن برتری، علو و سیادت را کرامت کرده است. معنای برداشتی ما این است که خداوند تبارک و تعالی توقع دارد مؤمن و جامعه‌ی اسلامی در پرتو حیاط طیبه ناشی از قرآن کریم، نسبت به سایر مکاتب و دستگاه‌های فکری، چیره، مسلط، ناظر، **مهمین** و مسیطر باشد. یعنی وقتی کتابی را به شما دادیم که نسبت به همه‌ی مکاتب قبلی «**وَمُهَيِّمِنَا عَلَيْهِ**» است، پیامبر شما نیز «**مهمین**» است و خداوند اراده کرده که دین شما بر تمام ادیان چیره گردد؛ چه اینکه

ابطال می‌شود. بخشی نیز اصلاح می‌شود و اشتباهات و اعوجاج‌های آن برداشته می‌شود. بخش صحیح آن نیز اثبات و تصدیق می‌شود. بنابراین قرآن حاکم و مسیطر بر آنها است.

برتری اسلام بر سایر ادیان

با این وصف از قرآن کریم شما توجه پیدا می‌کنید به این جمله‌ی نورانی که از پیامبر اعظم (ص) نقل شده است: «**الْإِسْلَامُ يَعْلو وَ لَا يُعَلَى عَلَيْهِ**» [۳] اسلام [از هر مکتبی] بالاتر و والاتر است و هیچ مکتبی بر آن، برتری ندارد». این علو، برتری، اشراف و حاکمیت نسبت به سایر مکاتب، زمانی تحقق می‌یابد که کتاب، پیامبر و امت اسلام **مهمین** باشد. این وصف اگر برای کتاب آورده شده، معنایش این است که هم کسی که این کتاب را آورده **مهمین** بر پیامبران پیش از خود است، و هم امتی که این

نمایندگان امت‌های خودشان جمع شدند؛ «جِنْنَا بِكَ عَلَى هَوْلَاءِ شَهِيداً» آن وقت تو را می‌آوریم که بالای سر آنها باشی. یعنی تو شهید بر شهدا هستی، گواه گواهان. این آیه‌ی کریمه از یکی از صحنه‌های خیلی عجیب قیامت پرده‌برداری می‌کند.

یک آیه دیگر هم راجع به خود امت اسلامی است؛ آنجا که خداوند می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً» [۶] و بدین‌گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد». رسالت بسیار بزرگی بر دوش امت اسلامی و آحاد مسلمانان است. باید خیلی کار کنیم. در محکمه‌ی الهی به خاطر کم‌کاری‌ها، غفلت‌ها، تأخیرها و تبلی‌ها، بیچاره هستیم!

خود فرموده است: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» [۴] تا آن را بر همه‌ی ادیان فائق گرداند».

یک مثال دیگر برای آنکه خداوند توقع دارد اسلام بر همه‌ی ادیان چیره گردد، این آیه است: «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَوْلَاءِ شَهِيداً» [۵] پس چگونه است [حالشان] آنگاه که از هر امتی گواهی آوریم، و تو را بر آنان گواه آوریم؟». شاهد و شهید اینجا به معنای ناظر بودن است و فقط بحث الگو نیست؛ بلکه حکایت از اشراف و تسلط است. منظور گواهی است که می‌تواند قضاوت، اثبات، تأیید و درجه‌بندی کند.

«فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ» وقتی که از هر امتی یک گواه و شهید که همان پیامبر است، می‌آوریم؛ «وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَوْلَاءِ شَهِيداً»؛ زمانی که همه‌ی پیامبران به‌عنوان

وظیفه‌ی سنگین مردم ایران

فناوری‌های جدید و آباد کردن زمین، مسئولیت‌های بزرگی است که بر عهده‌ی شما است.

قرآن زیباترین «حدیث» است

امام سجاد (علیه السلام) در ادامه‌ی دعا می‌فرماید: «وَفَضَّلْتُهُ عَلَيَّ كُلِّ حَدِيثٍ قَصَصْتَهُ». «حدیث» به معنای سخن تازه است که نقطه‌ی مقابلش، قدیم است. در ادبیات عرب به هر چیز تازه‌ای حدیث گفته می‌شود. اینجا برای قرآن از این تعبیر استفاده شده که به معنای سخن، دانش و معرفت نو و تازه است. البته این وصف همه‌ی کتاب‌هایی است که بر امت‌های گذشته نازل شده؛ زیرا آن کتاب‌ها در زمان نزول خود، تازه، نو و به‌روز بوده است.

واژه‌ی «حدیث» در خود قرآن کریم نیز آمده است: «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا

انقلاب اسلامی رسالت بزرگی بر دوش ملت ما قرار داده؛ زیرا برای ما امکان الگوسازی فراهم آورده است. قدم‌های بسیار بزرگی برداشته شده که خیلی شوق‌انگیز است. امروزه شما در بخش‌های زیادی دارید به برتری دست می‌یابید، و این معجزه‌ی انقلاب و درحقیقت معجزه‌ی قرآن است که به صحنه زندگی بشریت معاصر آمده و باعث شده ایران در زمینه‌های فراوانی دست برتر داشته باشد. البته هنوز خیلی راه در پیش رو هست. آقا فرمودند: شما باید پنجاه سال آینده بر قله‌ی علمی جهان نشسته باشید. این در حالی است که در سطح جهان رقابت علمی شدیدی وجود دارد. دستیابی به قله‌ای که آقا ترسیم کرده‌اند، مجاهدت و کار سنگین می‌طلبد. ساختن یک الگو در دانش، اخلاق، ادب، فرهنگ، زیست، محیط زیست،

نیاورند، تو جان خود را از اندوه در پیگیری [کار]شان تباه کنی». پیغمبر اکرم (ص) در برابر درخشش این جلوه‌ی تازه از علم، لطف، رحمت، برکت، عزت و حکمت الهی، به قدری بی‌تاب بود که نزدیک بود از ایمان نیابردن مردم، جان مبارک خویش را از دست دهد.

قرآن سخن‌سرایی نیست؛ زیرا: «نَزَلَ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ، نَزَلَ مِنْ حِكْمَةِ اللَّهِ، نَزَلَ مِنْ نُورِ اللَّهِ، نَزَلَ مِنْ عِزَّةِ اللَّهِ». قرآن حدیث است، یعنی برای فطرت انسان جاذبه دارد؛ چراکه تازه، نو و آبدیت است. پیغمبر اکرم (ص) چه حسی در برابر قرآن کریم داشت؟ ایشان از اینکه مردم به خاطر ابتلا به حجاب‌های تودرتو از جهالت، ضلالت و اندراس فطری‌شان و بیماری‌هایی که به آن مبتلا هستند، به این حدیث ایمان نمی‌آورند، نزدیک بود جان

مَتَانِي؛ [۷] خدا زیباترین سخن را [به صورت] کتابی متشابه، متضمن وعده و وعید نازل کرده است».

تعبیر «أَحْسَنَ الْحَدِيثِ» یعنی بهتر و زیباتر از این نمی‌شود. کسانی که در برابر خدا به خشوع می‌رسند، «أَحْسَنَ الْحَدِيثِ» دل‌های آنها را به لرزه می‌آورد: «تَقَشَّعُرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ»؛ [۸] آنان که از پروردگارشان می‌هراسند، پوست بدنشان از آن به لرزه می‌افتد. دل مؤمن به لرزه می‌افتد و بر اثر آن، حجاب‌ها کنار زده می‌شود. اگر به این مقام نرسیم، در حجاب می‌مانیم.

آیه‌ی دیگری که واژه‌ی «حدیث» آمده، این است: «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا»؛ [۹] شاید اگر به این سخن ایمان

طراوت همیشگی قرآن

کتاب‌های قبل هم «حدیث» بودند، اما ویژگی قرآن این است که تازه و نو بودنش، جاودانی است و کهنه نمی‌شود. در کلمات معصومین (علیهم السلام) نیز بر این وصف قرآن تأکید شده است. با گذشت قرن‌ها از زمان نزول آن، گویا همین الان نازل شده است. هر وقت به آن مراجعه کنید، تازه‌اش می‌یابید. یک مثالش سوره‌ی مبارکه‌ی حمد است که خداوند بر شما واجب کرده در همه‌ی نمازهایتان بخوانید. آیا ما - با وجود ایمان متوسطی که داریم - از سوره‌ی حمد خسته می‌شویم؟ آیا احساس ملالتی دارید؟ این در حالی است که خیلی از ماها از حقیقت حمد محجوبیم. عطر، طراوت و جاذبه‌اش دل را می‌برد؛ انگار همین حالا نازل شده است. همه‌ی قرآن این‌گونه است و ما برای نمونه، به سوره‌ی حمد

دهد. اگر نبود دست عنایت الهی، حضرت دق می‌کرد. خداوند اینجا دلداری می‌دهد. در جای دیگری نیز به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «طه ما أنزلنا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَتَشْقَى؛ طه، قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به رنج افتی». تو عزیزی، مواظب باش، این قدر خودت را اذیت نکن.

استفاده از کلمه‌ی «حدیث» در اینجا بسیار جالب است. «بِهَذَا الْحَدِيثِ» گفته «بهذا الكتاب» یا «بهذا القرآن». در کلمه‌ی حدیث چه نکته‌ای است که پیغمبر برای آن جان می‌دهد. مردم، زیباتر و جذاب‌تر از قرآن چه می‌خواستند؟ دنبال چه بودند؟ این آیه به ما پیام می‌دهد که در ایمان به قرآن کریم تأخیر نکنید. ارتباط مؤمنانه با قرآن و اقبال به آن را فرصت و غنیمت بشمرید.

اشاره کردیم. ان‌شاءالله خداوند تبارک و تعالی، بر این اساس، اگر قرآنی شویم - یعنی با قرآن انس، نشست و برخاست و ارتباط داشته باشیم - ما نیز نو و تازه می‌شویم. از ویژگی‌های مؤمن، حدیث و تازه بودن است. کافر، کهنه و مندرس است و بوی تعفن می‌دهد. ان‌شاءالله خداوند تبارک و تعالی، قهر ما را با قرآن کریم به آشتی مبدل سازد تا موفق شویم از قرآن نور برگیریم. ذیل اسم «مهیمن» قرآن کریم بر فکر، قلب، اخلاق، عمل، ظاهر، باطن، خلوت، خانواده، جامعه، نظام، اقتصاد، فرهنگ، سیاست، مدیریت و مهیمن ما، مسیطر باشد.

قرن‌ها است که فرهیختگان و بزرگان، در قرآن کریم تأمل و درنگ دارند و دائماً از آن نکات تازه استخراج می‌کنند. سخن خداوند متعال هر چه هم بگذرد، همین است و کهنگی در آن راه ندارد. تا قیامت، هر چه دانش بشر پیش رود، هر چه صفای نفس برای انسان‌های مؤمن فراهم شود، هر چه تجربه‌ها و دریافت‌های وحیانی در انسان‌ها متراکم شود، باز هم قرآن کریم تازه‌ها دارد و کهنگی به این کلام راه ندارد. این معجزه‌ی قرآن کریم است.

الحمد لله قصه‌ی رسوایی غرب، به روز و گاهی به ساعت شده است. ترامپ، مصداق این روایت نبوی است: «إِنَّ اللَّهَ يُؤَيِّدُ هَذَا الدِّينَ بِالرَّجُلِ الْفَاجِرِ» [۱۰]

خداوند این دین را با مرد

منابع و مأخذ

- فاجر، تأیید و کمک می‌شود».
- مانده‌اند چه خاکی به سرشان کنند. وسط این ماجرا هم آقای سیدحسن نصرالله، استاد کل جنگ روانی، یک شلیک کرد. «مهیمن» را می‌بینید؟! یک شلیک کرد، دیدید چه به روز رژیم صهیونیستی آمد؟ اینها نشانه‌های خیلی خوبی است؛ اگر بفهمیم، قدر بدانیم و خوب استفاده کنیم. صحبت‌های اخیری که در مونیخ نقل شد، چقدر خوب بود؟! همواره همین‌طور صحبت کنید؛ راه درست همین است؛ محاکمه کنید و به چالش بکشید.
- [۱]. حشر: ۲۳.
- [۲]. مانده: ۴۸.
- [۳]. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۳۴.
- [۴]. صف: ۹.
- [۵]. نساء: ۴۱.
- [۶]. بقره: ۱۴۳.
- [۷]. زمر: ۲۳.
- [۸]. همان.
- [۹]. کهف: ۶.
- [۱۰]. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۰۶.

۲۲ بهمن را به رخ بکشید؛ این می‌شود دیپلماسی زنده! ۲۲ بهمن دست قدرت خدا است که از آستین ملت بیرون می‌آید. باید این را به یک مشت تبدیل کنید و به چهره‌ی سیاه شیطان بکوبید.





افوغها؛ درنگی بر مسائل تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir • سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

بعد از نماز مغرب و عشاء

(۲ ماه دوم سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجمع فرهنگی شهدای هفتم تیر